قدس
رواق
ویژه‌فرهنگ‌و‌معارف‌رضوی
| سال اول | ویژه نامه ۲۳۶ |

تربیت مدافع فرهنگی ایثارگر و فداکار در مسجد محقق می‌شود

۲

در نشست تحلیل عزاداری‌های امسال بنی‌فاطمه مطرح شد

اصل کار ما در هیئت، احیای شعائر است نه خواندن شعر جدید

۲

کوتاه‌نوشت

آرزوی جاروکش صحن شاهچراغ

۲

سهیل اسعد مطرح کرد

چند سؤال از کلیسا درباره پروژه اصلاح اجتماعی حضرت عیسی علیه‌السلام

۲

عکس‌نوشت

همدم یک زندگی پرهیاهو

۲

ماجرای نوجوانی که برای زیارت و مداوا طلبیده شد

مسافر خاص پرواز زاهدان - مشهد

۲

آشنایی با خانواده‌ای که پشت در پشت برای آستان قدس رضوی کاشی می‌سازند

خاندان کاشی‌کار

پس از ظهور اسلام، هنر کاشی‌کاری در خدمت زیبایی بناها قرار گرفت. استفاده از کاشی برای تزئین و همچنین استحکام بخشیدن به بناها در ایران از دوره سلجوقی آغاز شد و طی قرون متمادی به ویژه در عهد تیموری و صفوی به اوج خود رسید. اما اتفاق مهم دیگری که در این دوران رخ داد، ساخت کاشی معرق بود. بهترین نمونه‌های کاشی معرق را هم اکنون می‌توان در ایوان مقصوره مسجد جامع گوهرشاد و صحن انقلاب دید.مجموعه کاشی سنتی قدس در سال ۱۲۸۱ هجری شمسی توسط مرحوم حاج‌یوسف ...

۴

درباره زندگی و زمانه ملا رفیع‌الدین مشهدی، عالم نامدار مدفون در حرم رضوی

شارح نهج‌البلاغه و مدافع وحدت

محمدحسین نیکبخت | با روی کار آمدن دولت صفویان، چنان که مورخان و پژوهشگران معتقدند، مدارس علمیه رونق گرفت و دانشمندان بزرگ جهان تشیع مانند شیخ بهایی، میرداماد و میرفندرسکی فرصت یافتند تا معارف اهل بیت(ع) را به صورت گسترده و روشمند در اختیار علاقه‌مندان قرار دهند. با این حال در نزاع سیاسی و نظامی میان صفویان و عثمانی‌ها، گاه پای اعتقادات مذهبی نیز از سوی دو طرف دعوا به میان کشیده می‌شد و این مسئله بر آتش اختلاف‌های مذهبی می‌دمید؛ موضوعی که می‌توانست دستمایه اروپایی‌ها - که تازه به مسیر استعمارگری پا گذاشته بودند و از اقتدار عثمانی‌ها به دلیل همجواری با آن‌ها بیم داشتند - برای برافروختن آتش جنگ‌های عقیدتی و سرگرم نگه داشتن دو دولت مسلمان در خاورمیانه باشد و آن‌ها از این مسئله به صورت گسترده سوءاستفاده کردند. در این بین برخی از علمای شیعه با درک خطر ناشی از استعمار و اثرات بسیار منفی نزاع‌های مذهبی در زندگی و امنیت جامعه اسلامی، به جانب‌داری از مسئله اتحاد اسلام بر مبنای مشترکات مذهبی پرداختند. موضوعی که در قرن‌های بعد، توسط سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شاگردان وی پی گرفته شد و تا امروز علمای روشن‌ضمیر شیعه و اهل سنت در راه به ثمر نشستن آن تلاش می‌کنند. یکی از این عالمان که حدود ۲۸۰ سال پیش در شهر مشهد به دفاع از اتحاد مسلمین پرداخت، ملا رفیع‌الدین محمد بن فرج گیلانی مشهدی، مشهور به ملا رفیع‌الدین مشهدی است که در رواق امروز درباره او و زندگی‌اش بیشتر خواهیم گفت.

■ **علامه دهر و فرید عصر**

ملا رفیع‌الدین مشهدی، چنان که علامه شیخ آقابزرگ تهرانی گفته است از علمای بزرگ زمان خود بود. مرحوم عزیزالله عطاردی در کتاب ارزشمند «فرهنگ خراسان» به نقل از عبدالله شوشتری، شاگرد ملا رفیع‌الدین درباره او می‌نویسد: «رفیع‌الدین عالمی محقق و متکلمی شیرین‌سخن بود و بسیار محکم سخن می‌گفت و من در میان فضلای عرب و عجم فاضل‌تر از او ندیدم. او مردی متواضع و باانصاف و خوش‌اخلاق بود». درباره زمان ولادت وی، اطلاعات دقیقی وجود ندارد اما می‌دانیم که او بیش از ۴۰ سال مجاور حرم رضوی بود، بیش از ۱۰۰ سال عمر کرد و در این مکان مقدس، مجلس درس برپا می‌کرد؛ بر همین اساس و با توجه به زمان درگذشت وی در سال ۱۱۲۶ خورشیدی، می‌توان هنگام تولد این عالم نامدار را حدود سال ۱۰۲۶ خورشیدی همزمان با دوران حکومت شاه عباس دوم صفوی تخمین زد. ملارفیع‌الدین اهتمام فراوانی به مطالعه و بررسی نهج‌البلاغه داشت؛ شرح وی بر این کتاب ارزشمند، یکی از شرح‌های قدیمی و مهم محسوب می‌شود. او طلاب را هم به مطالعه و بررسی نهج‌البلاغه ترغیب می‌کرد. ملا رفیع‌الدین از شاگردان برجسته مجلسی دوم بود و در زمینه علوم مختلف اسلامی تبحر فراوان داشت و از این رو شاگردان زیادی تربیت کرد. سیدحسین بن سیدمحمدابراهیم قزوینی، استاد سیدبحرالعلوم درباره ملا رفیع‌الدین می‌نویسد: «رفیع‌الدین محمد بن فرج از علمای روزگار خود بوده است. او علامه دهر و فرید عصر و از شاگردان جمال‌الدین خوانساری بود. من زمان او را درک کردم، ولی به ملاقات او موفق نشدم».

■ **دفاع از دیپلماسی وحدت**

دوران حیات ملارفیع‌الدین مشهدی همزمان با قدرت گرفتن نادرشاه بود. در آن زمان فرمانروای دودمان افشار برای آنکه بتواند ساختارهای دیپلماسی خود را تقویت و تنش را در مرزهای غربی و شمال شرقی با عثمانی‌ها و ازبکان کم کند، بنا را بر روابط مسالمت‌آمیز مذهبی گذاشت و کوشید نظر علما را برای حمایت از این دیدگاه جلب کند. در این بین علمایی که به حمایت از این رویکرد برخاستند، زیاد نبودند، اما ملا رفیع یکی از آن‌ها بود. وی در این عرصه، اعتقاد به تقیه داشت و معتقد بود تا حد امکان باید در ارتباط با برادران اهل سنت، از ورود به مباحث تفرقه‌انگیز خودداری کرد. وی با این رویکرد کوشید تا ارتباطاتی با علمای اهل سنت در ماوراءالنهر برقرار کند و از طریق آن‌ها زمینه آزادی اسیران شیعه را که گرفتار ازبکان بودند و حکومت قادر به خلاص کردنشان نبود، فراهم کند و در این راه از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کرد؛ تا جایی که برخی از متعصبان به وی تهمت‌های ناروا زدند و در تشیع وی تردید کردند؛ اما علمای اعلام می‌دانستند که ملا رفیع‌الدین، عالمی نیست که این تهمت‌ها بر دامن وی بنشیند. بیشتر این مخالفت‌ها از جانب اخباریون صورت می‌گرفت؛ چراکه ملا رفیع‌الدین از علمای اصولی مذهب بود. وی اعتقاد به وجوب نماز جمعه داشت و مدت‌ها در مشهد، نماز جمعه و جماعت برپا می‌کرد. تلاش‌های وی برای نجات شیعیانی که اسیر شده بودند به ثمر رسید و با مساعدت تعدادی از علمای اهل سنت که ارتباطی صمیمانه با ملا رفیع‌الدین برقرار کرده بودند، تعداد زیادی از اسیران از چنگ ازبکان خلاص شدند و به شهرهای خود بازگشتند. با این حال، روش ملا رفیع‌الدین چنان که اشاره کردیم، نه در ایران و نه در عثمانی، طرفداران زیادی نداشت و زمان لازم بود تا مسلمانان بتوانند با درک واقعیت‌های تاریخی و شناخت چهره اصلی استعمار به اهمیت رویکردهای تقریبی امثال ملارفیع‌الدین پی ببرند. این عالم نامدار در سال ۱۱۲۶ خورشیدی دار فانی را وداع گفت و پیکرش در حرم مطهر امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.

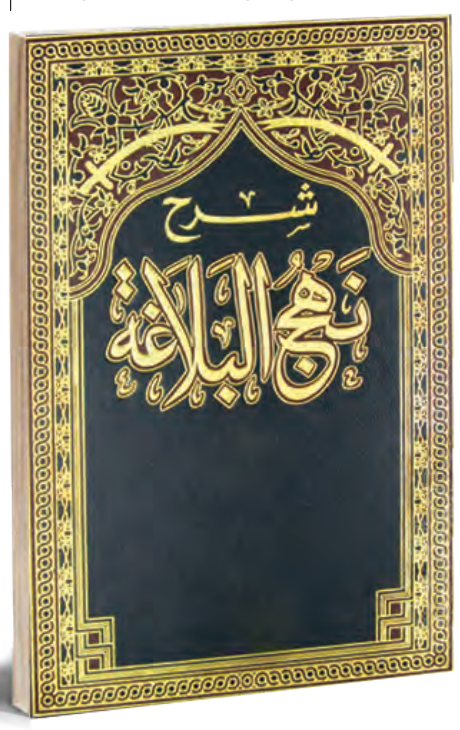

دیدگاه

حکمت انداختن موسی علیه‌السلام به آب

مادر موسی(ع) انسان خوبی بود و به خدا توکل کرد و گفت: خدایا موسی(ع) را به دست تو می‌سپارم. خدا هم او را نجات داد و به ساحل رساند. اما حقیقت گذاشتن موسی(ع) در صندوق و انداختنش در آب این است که آب رمز حیات و صندوق نیز بدن انسان است که روح در آن هبوط می‌کند. اگر به ظاهر نگاه کنیم، معنای انداختن این بچه در دریا یعنی مرگ، اما باطن آیه، نجات او از کشته شدن به دست فرعون بود؛ یعنی توکل کرد و از قتل نجات یافت. بنابراین انداختن موسی(ع) به آب رمز حیات و به معنای افتادن بدن ما در اقیانوس روح است. از این رو تعلق روح به بدن مطرح و نیز روح مانند دریاست. قدما می‌گفتند نسبت عالم حس با روح مانند کف نسبت به آب یا انگشتری است که در بیابان افتاده؛ چون عالم روح بی‌انتهاست.

حیات روح نیز به علم است نه جهل. حیات صوری ما به آب و غذاست، اما این غذا و آب برای روح، علم است و علم نیز درجاتی دارد. علم مطلق نجات‌بخش است نه مقید. همه علوم ما را از جهل مقید نجات می‌دهند، اما علم مطلق سبب نجات انسان می‌شود و دین و حکمت الهی متکفل آن است. حقیقت دین حکمت است و قرآن نیز همه انبیا(ع) را حکیم می‌داند، اما متأسفانه ما هیچ وقت به پیامبر(ص) حکیم نمی‌گوییم.

■ **برگرفته از سخنان غلامرضا اعوانی به نقل از ایکنا**

منبرمجازی

دعای حضرت زهرا علیهاالسلام

آیت‌الله تحریری | زهرای مرضیه(س) دعایی دارد که در این دعا راه و روش رسیدن به لقای مطلوب الهی را از خدا می‌خواهد. ایشان در واقع خط مشی اساسی را به ما نشان می‌دهند که همواره در مسیر خیر باشیم.

حضرت زهرا(س)، خودش «خیر کثیر» است و انسانی که «خیر کثیر» است جز ارتباط با خیر مطلق را طلب نمی‌کند و شوق به لقای خدا را از او طلب می‌کند.

اگر کسی می‌خواهد به حقانیت دین التزام قلبی و روحی داشته باشد باید با این بانوی مکرمه ارتباط ولایی برقرار کند و در مسیر قرب الهی، شخصیت حضرت زهرا(س) را به عنوان شاخص قرار دهد و بپذیرد.

حضرت زهرا(س) امور معروف را از خدای متعال طلب می‌کند و می‌فرماید:

«خدایا! من از تو کلمه اخلاص را می‌خواهم و خشیت خود را در حالتی که از امور خشنود باشم».

یعنی زیربنای حرکت کمالی انسان این است که در همه شئون در مسیر «اخلاص» باشد، کسی که با اخلاص به سوی خدا برود، خدای متعال بهترین مصالح را برای او فرود می‌آورد و بهترین مصالح خدا «حسن عاقبت» است که انسان باید همواره آن را طلب کند و همواره در آن مسیر باشد.

انسان در برخورد با امور مختلف ممکن است خشنود باشد یا غضب و تنفر داشته باشد. اما حضرت زهرا(س)، «مرضیه» است یعنی کسی که مورد رضایت خداست. در سوره بینه نیز آمده است: مهم‌ترین شاخص بهترین بندگان خدا این است که «رضی‌الله عنهم و رضوا عنه».

«رضا» از مقامات بلند ایمان است. چه وقت انسان به مقام رضای خدا و رضایت خدا از او می‌رسد؟ این مقام منحصر به حضرت زهرا(س) و اولیای الهی نیست، همه ما می‌توانیم به آن دست پیدا کنیم؛ مقدمه مقام «رضا»، «خشیت» است؛ یعنی توجه به عظمت خدا و رابطه وجودی خاص با خدا که باید حدود و جایگاه خدای متعال را در زندگی رعایت کنیم بنابراین می‌بایست خدا را همواره «رب» خودمان بدانیم و همواره نگران باشیم آیا تحت «ربوبیت خدای متعال» هستیم یا نه؟ البته ما جایی نداریم که اطاعت از خدا لازم شده باشد و اطاعت از نبی اکرم و اولی‌الامر هم لازم نشده باشد. این شاخصه را زهرای مرضیه(س) تا آخر عمر از خودشان نشان دادند.

نیمکت زندگی

او می‌بیند

رقیه توسلی | خانم میانسال برآشفته از اتاق مدیریت می‌آید بیرون و ماسکش را برمی‌دارد، کیفش را پی چیزی می‌جورد، اسپری تنفسی را در جیب جلویی کیفش پیدا کرده، می‌گذارد توی دهانش و دو بار استنشاق می‌کند.

سلانه سلانه می‌آید می‌نشیند حوالی نیمکتی که نشسته‌ام تا تلفنش را جواب بدهد. ریزاتفاقات، پرونده وام و اخلاق ناپسند رئیس بانک را می‌گذارد کف دست کسی که پشت خط است: «حرف آذر بود... ولی امروز برمی‌گرده میگه ماه بعد... سقف تسهیلات دی ماه تکمیله! خب بهش می‌گم من برای مسئول تسهیلاتتون شرایطمو روشن بیان کردم، گفتن حتماً توی اولویتید... پرونده‌تون واجد شرایطه، حالا چطور شما می‌گید ماه بعد؟ من به این پول احتیاج مبرم دارم. برنامه‌ریزی کردم... میگه مثل اینکه زبون فارسی متوجه نمی‌شی؟ آلمانی بگم خوبه یا فرانسه؟ پاشو برو وقت ما و خودت رو نگیر... شما بیکاری ولی ما با صد تا بدتر از امثال شما باید سروکله بزنیم... فعلاً وام بی‌وام... عزت و احترام سرتون بشه دیگه!» و دوباره یک پیس از اسپری آبی‌اش می‌گیرد. احساس می‌کنم نفس‌های من هم مثل خانم متقاضی وام، تنگ شده و بالا نمی‌آید. این اولین موردی نیست که در باب سکنات و وجنات این مدیر می‌شنوم. می‌خواهم درددل تلفنی‌اش که تمام شد با او حرف بزنم که شماره‌ام را به باجه۵ می‌خوانند و باید بروم. پا می‌شوم اما نه برای نشستن روی صندلی باجه، می‌خواهم بروم اعتراض مختصری داشته باشم خدمت مدیری که خدوم هم اگر هست، خوش‌رفتار نیست.

پی‌نوشت

شهید بهشتی: مراقب باشیم پُست‌ها، پَستمان نکند.

سنجاق

بین ما حرف چندانی ردوبدل نمی‌شود. فقط خدمت آقای رئیس بانک که از قضا روزانه دارند در عرصه بانک‌داری، زحمات وافر می‌کشند، حاضر می‌شوم و از مستندی که دیشب دیدم دو جمله باهاشان اختلاط می‌کنم؛ از حاج‌قاسم سلیمانی می‌گویم که به همولایتی‌هایش می‌گفت تا آخر برایشان همان قاسم پسر مش‌حسن ماند؛ خاکی، مردم‌دار، مهربان، خدادوست. از سردار که عنوان و لقبی متفاوتش نکرد.

هر کس درباره ما یک بیت شعر بگوید خدای بزرگ برای او در بهشت خانه ای می سازد .

حکایت

فلسفه آفرینش مگس!

آورده‌اند روزی منصور عباسی در حالی که بر منبر نشسته بود و سخن می گفت، مگسی روی بینی او نشست. منصور مگس را با دستش دور کرد مگس پرواز کرد و بر چشم او نشست. او دوباره مگس را پراند، ولی مگس دوباره روی چشم دیگر او نشست تا اینکه منصور ناراحت شد و مگس را با دستش کشت. چون از منبر پایین آمد از عمرو بن عبید پرسید: خدا مگس را برای چه خلق کرد؟ عمرو گفت: برای اینکه ستمگران را ذلیل کند. منصور پرسید: این را از کجا می گویی؟ گفت: از قول خدای تعالی که فرموده: «وَإِن يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ». منصور گفت: خدای تعالی راست فرموده است.

گزارش

در نشست تحلیل عزاداری‌های امسال بنی‌فاطمه مطرح شد

اصل کار ما در هیئت، احیای شعائراست نه خواندن شعر جدید

سومین نشست از سلسله جلسات «آهات» با موضوع تحلیل هنری، فرهنگی و اجتماعی عزاداری‌های محرم و صفر امسال سیدمجید بنی‌فاطمه برگزار شد. این نشست با حضور مجید بنی‌فاطمه مداح اهل بیت(ع)، محمدمهدی سیار دبیر علمی نشست، عبدالکریم خیامی استادیار دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع) و سید وحید سمنانی، شاعر و منتقد ادبی در خبرگزاری فارس برگزار شد.

محمدمهدی سیار، دبیر علمی نشست در ابتدای مراسم اظهار کرد: در این جلسات بنا داریم پیوندی میان دانشگاه در رشته‌های ادبی و هنری با رسانه در موضوعات جامعه‌شناسی و فرهنگی با محوریت هیئت‌های مذهبی به منظور تولید فکر و پیشبرد گفتمان اسلامی ایجاد کنیم تا ان‌شاءالله هیئت‌ها ارگذاری بیشتری داشته باشند.

■ بنی‌فاطمه به دنبال دیده شدن به هر قیمتی نیست

عبدالکریم خیامی، استادیار دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع) در این نشست اظهار کرد: بررسی آثار و عملکرد سیدمجید بنی‌فاطمه و نگاه از بیرون به گفتارها، موضع‌گیری‌هایش در فضای مجازی و در مجموع جمع بین ابتلا و احساسات او که انگاره نامیده می‌شود، نشان می‌دهد او به دنبال این نیست که با حاشیه‌سازی خود را در معرض دیده شدن قرار دهد بنابراین او کمتر سوژه اخبار است.

استادیار دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع) ادامه داد: برخی از مداحان، عملکردی نمایشی دارند و در میزان استفاده از عناصر نمایشی مانند نور و صدا، حضور کودکان در کنار خود، نوع لباس و حتی آرایش چهره، افراط می‌کنند و تنها به دنبال دیده شدن هستند، اما بنی‌فاطمه حداقل تلاش برای استفاده از این عناصر را دارد.

خیامی با بیان اینکه این مداح از رفتارهای سخیف برخی دیگر از مداحان مبراست، گفت: او در محرم امسال گاهی پشت میکروفن با پایه ایستاده خواند، گاهی نشسته روضه خواند که آن هم متناسب با محتوا و شعر بود، گاهی میان جمعیت رفت و نوحه خواند و به نوعی تناسب میان گفتار با زبان بدنش، ممتاز است.

این استاد دانشگاه امام صادق(ع) با بیان اینکه سایت «لهوف» اختصاص به آثار بنی‌فاطمه و هیئت ریحانة‌الحسین(س) دارد، تصریح کرد: استفاده از این سایت بسیار ساده است و بخش‌بندی‌های بسیار خوب و دقیقی دارد که گنجینه بسیار خوبی از آثار او هم محسوب می‌شود.

■ اصرار به نوحه جدید خواندن، موجب خلق آثار ضعیف شده است

سیدمجید بنی‌فاطمه، مداح اهل بیت(ع) در این بخش از نشست اظهار کرد: متأسفانه در سال‌های اخیر سلیقه‌ها تغییر کرده است. زمانی که برای شخصیت حضرت علی‌اصغر(ع) شاعران سه چهار سال اثر تولید می‌کنند، تمام حرف‌هایشان را زده‌اند. بنابراین نوآوری ندارند و نباید اصرار به خواندن نوحه جدید داشته باشیم. در این صورت کار ضعیف تولید خواهد شد. وقتی کار ضعیف خوانده می‌شود، یک شاعر تازه‌کار هم آن را الگو قرار می‌دهد و شروع کارش را با یک شعر ضعیف‌تر از آن آغاز می‌کند و مداحی هم آن را می‌خواند که منجر به ضعف هر روزه آثار می‌شود.

وی با بیان اینکه باید آثار را تکرار کرد؛ به طور مثال نوحه «جان آقام، سنه قربان آقام» که سروده محسن عرب خالقی بود با تکرار جا افتاد، گفت: ما از تکرار آثار فاصله گرفتیم؛ در حالی که مستمع باید با یک نوحه انس بگیرد. اصل کار ما در هیئت، احیای روضه و شعائر اهل بیت(ع) و توسل است. اما از این فاصله گرفتیم و به این فکر می‌کنیم «امشب برویم ببینیم بنی‌فاطمه چی می‌خواند؟» اگر تکراری هم بخواند می‌گوییم «ای بابا تکراری خواند!» این‌ها خطر است که موجب ضربه خوردن به دستگاه می‌شود. من گاهی می‌خواهم شعری را بخوانم، به من می‌گویند نه این را نخوان، چون فلان مداح پیش از تو خوانده است. این چه نگاهی است که حاکم شده است؟!

بنی‌فاطمه گفت: چرا باید از شعر و نوحه‌ای که یک شاعر برای سرودن آن مدت‌ها سختی و ریاضت کشیده، ساده دل بکنم و آن را یک بار مصرف بخوانم. برخی می‌ترسند با تکرار کردن دیده نشوند. چه ایرادی دارد؟ وظیفه ما احیای شعائر است. کار خوب را باید تکرار کنیم.

■ ضربه صداوسیما به هیئت‌های امروز

سیدوحید سمنانی، شاعر نیز در این مراسم با اشاره به اینکه نمی‌توان سطح اشعار سال‌های اخیر سیدمجید بنی‌فاطمه را نزولی دانست، گفت: کارهای خوب و ابیات بسیار قوی در اشعار او بسیار فراوان است، اما متأسفانه سطور ضعیف هم دارد و شاید دو شعر او اصلاً جای طرح نداشته باشد. اگر بناست نوحه را بسنجیم، باید خواننده آن را هم مدنظر قرار داد. شاید شعری را مداح دیگری بخواند خیلی اشکال نداشته باشد، اما زمانی که همان شعر را بنی‌فاطمه می‌خواند به دلیل شناخت او از شعر و جایگاهش، دارای ایراد است.

وی گفت: بنی‌فاطمه امسال در شب حضرت قاسم(ع) یک بحر طویل برای ایشان خواند که بسیار عالی است و به تاریخچه زندگی ایشان از زمان تولد تا شهادت پرداخت که جزو اشعار ارزشمند امسال او است.

■ شعر جدید باید حرف تازه داشته باشد وگرنه تکرار قدیمی‌ها بهتر است

سمنانی با بیان اینکه شاید یکی از نکاتی که در خصوص آقای بنی‌فاطمه وجود دارد، تکرار نکردن اشعار و نوحه‌های قدیمی خود او است، گفت: خوب نیست مداحان به دنبال این باشند که برای هر مناسبت، شعر جدید بخوانند که الحمدلله خود ایشان هم گفتند چنین رویکردی ندارند. این نگاه منجر می‌شود هر شعری خوانده شود. شعر باید حرف جدید و تازه داشته باشد. پس اگر چنین شعری نداریم، همان تکراری‌ها خوانده شود بهتر است. معتقدم این تلاش برای شعر جدید خواندن از عوارض صداوسیما در هیئت‌هاست که پس از چند ماه آثار گذشته را پخش نمی‌کنند و به دنبال کار جدید هستند؛ در حالی که این روند هیچ کمکی به معرفت‌افزایی و ورود اندیشه تازه در میان هیئتی‌ها نمی‌کند.

این شاعر افزود: امسال بنی‌فاطمه در شب حضرت عبدالله(ع) نوحه‌ای با مضمون لا اله الا الله خواند که در زمان تشییع میت می‌خوانند. به گفته خودش سروده مهدی امامی است و بسیار پرمغز و خوب است و بجا هم خود او وسط نوحه اذان می‌گوید که یک همراهی و خوش‌سلیقگی جذاب است.

چهره

چند سؤال از کلیسا درباره پروژه اصلاح اجتماعی حضرت عیسی علیه‌السلام

سهیل اسعد، مبلغ بین‌المللی اسلام | فضای مبارزه در ابتدا یک تفکر است. در امتداد تاریخ که نگاه می‌کنید تمام حرکت‌ها از یک تفکر مبارزه‌ای سرچشمه گرفته است. تفکر انقلابی و قیام و مبارزه، تفکری است که در اصل تاریخ مسیحیت بود و در سیره عملی حضرت عیسی(ع) هم وجود داشت. بعداً با تجربه بدی که کلیسا در قرون وسطا داشت، مجبور شدند حذفش کنند یعنی مجبور شدند از سکولاریسم به بعد بگویند کلیسای ما انقلابی نیست، قیام در آن وجود ندارد و نسبتی با حکومت ندارد. همین مسئله سبب تناقض ایدئولوژیکی بین سیره حضرت عیسی(ع) و خلیفه حضرت عیسی یعنی کلیسا و واتیکان شد.

اینجا این پرسش مطرح می‌شود که چطور شما می‌گویید ما دنبال عدالت و حکومت الهی نیستیم در حالی که وعده الهی در آخرالزمان با آمدن دوباره حضرت عیسی برای تحقق چنین هدفی است؟ اصلاً نقش کلیسای کاتولیک تحقق مملکت الهی است؛ پس چطور می‌گویید ما چنین برنامه‌ای نداریم؟ نه، این‌طور نیست، شما برنامه‌ای برای مملکت الهی دارید، اما راه رسیدن به آن هدف، متفاوت است. نظرشان این است که ما در جمعه دما می‌کنیم، با خدا مرتبط می‌شویم، بعد خدا به ما برای تحقق این عدالت کمک می‌کند.

من همیشه این معادله را در فضای آکادمیک مطرح می‌کنم شما که می‌گویید حضرت عیسی کشته شده، چرا او را کشتند؟ مشکل حضرت عیسی چه بوده است؟ می‌گویند دشمنان زیادی داشت و دست آخر هم او را کشتند. آیا واقعاً به خاطر دعا و معنویت او را کشتند یا چون پروژه حضرت عیسی(ع) اصلاح اجتماعی بود، به زعم شما این بلا را به سرش آوردند؟ بالاخره در سیاست وارد شده است یا خیر؟ چون به این موضوع اعتراف می‌کنند بعد می‌مانند که اگر حضرت عیسی مؤسس این حرکت بوده، چرا ما سیاسی نباشیم. بر همین اساس یک تناقض‌های تفکری و ایدئولوژیک در کلیسای امروز مسیحیت کاتولیک می‌بینیم. حالا کلیسا با این تفکر غیرسیاسی می‌آید و می‌خواهد مشکلات و بحران‌های جمعیت بشری را حل کند. خب کلیسا که در رأس قضیه هست می‌گوید ما با دعا درستش می‌کنیم و خدا هم کمک می‌کند و عدالت باید از آسمان وارد فضای ما شود. عده‌ای از روحانیون مسیحی که هم مشکلات و بحران‌های بشری را فهمیده‌اند و هم ایدئولوژی حضرت عیسی و سیره عملی حضرت عیسی را درک کرده‌اند، می‌گویند نه، راه حلش آسمان نیست. مملکت الهی درزمین با زمینی‌ها باید تحقق یابد. طرف مسیحی است، خدا را دوست دارد، متدین است و ایمان دارد ولی می‌خواهد قیام کند؛ کلیسا ولی مدام مانع می‌شود و می‌گوید ما دین صلحیم.

من عیناً افرادی را دیده‌ام که می‌گویند من مسیحی هستم و لیدر کلیسا به ما می‌گویند نه سیاست، نه جامعه، نه عدالت، نه قیام، نه مبارزه و جهاد. بعد طرف با خودش می‌گوید خب من اگر این کارها را نکنم که می‌میرم و اصلاً نمی‌توانم. بنابراین این‌ها از مسیحیت کاتولیک و در واقع کلیسا جدا شدند. با این ادعا که ما اگر پیروان حضرت عیسی باشیم نمی‌توانیم در مقابل این همه بی‌عدالتی بی‌طرف بنشینیم. اگر بی‌طرف بنشینیم یعنی عیسوی نیستیم چرا که سیره حضرت عیسی چیز دیگری به ما می‌گوید.

عکس‌نوشت

همدم یک زندگی پرهیاهو

عکس: فضیله صالح العلی

بتول احمدی | قبل از این نمی‌دانستم چه کنم و روبه سوی کجا دارم. نمی‌دانستم کجا بروم تا دل ناآرامم را تسکین دهم، تا اینکه خودم را حوالی حرمت یافتم و با عجله خودم را به شما رساندم. خسته‌دل و پریشان حال با خود گفتم بیایم به شما سلامی کنم و عرض ارادتی؛ «سلام بر شما ای اهل بیت نبوت و جایگاه رسالت و عرصه رفت‌وآمد فرشتگان و مرکز فرود آمدن وحی و معدن رحمت و خزانه‌داران بهشت...». آمده‌ام تا سیاهی از چهره، غبار از چشم و زنگار از قلب گنهکارم بردارید پس «ای ولی خدا به درستی که بین من و خدای عزوجل گناهانی است که آن‌ها را جز رضایت شما پاک نمی‌کند، پس به حق خدایی که شما را امین بر راز خود قرار داد و زیر نظر گرفتن زندگی بندگانش را از شما خواست و طاعت خود را به طاعت شما مقرون نمود، هر آینه بخشش گناهانم را از خدا بخواهید و شفیعان من شوید که من فرمانبردار شمایم...». بارها شنیده‌ام حرمتان ملجأ درماندگان است من هم درمانده‌حال در پی پناه آمده‌ام تا کمی، فقط کمی در کنارتان بمانم، بارم را بر زمین گذارم و در گوشتان از خودم و زندگی‌ام زمزمه کنم تا لحظاتی آرام بگیرم، بعد سیکبار و سیکبال به زندگی پر هیاهوی خود برگردم. اما از شما می‌خواهم ای امام معصوم، ای کسی که بر احوالات زائرانتان از دور و نزدیک اشراف دارید مرا تنها نگذارید. من می‌روم اما می‌خواهم همراهم باشید، همدم باشید، هم‌رفیق و هم‌سایه‌ام باشید تا آرامشم همیشگی باشد. پس آقای من: «وَأَسْتَوْدِعُكَ اللهَ وَأَسْتَرْعِيكَ و به خدا می‌سپارمت و خواستار توجه و حمایت تو هستم».

ماجرای نوجوانی که برای زیارت و مداوا طلبیده شد

مسافر خاص پرواز زاهدان - مشهد

تصویر روز

دانیال نام نوجوانی است اهل زاهدان که حدود یک ماه پیش دچار سوختگی شد و پزشکان تشخیص دادند باید برای معالجه فوراً به مشهد اعزام شود. پدر دانیال دست به دامان امام رئوف شد و خیلی زود خادمان رضوی سر راهشان قرار گرفتند.

سارا صالحی | ماجرا از یک ماه پیش آغاز شد. وقتی که حجت‌الاسلام والمسلمین مروی، برای افتتاح زائرسرای آستان قدس رضوی در منطقه مرزی میرجاوه به سیستان و بلوچستان سفر کرده بود و پس از مراسم بهره‌برداری قصد بازگشت به مشهد را داشت. در فرودگاه زاهدان همه منتظر بودند اپراتور اطلاعات پرواز، زمان سوار شدن مسافران را اعلام کند. چند دقیقه بعد اما بلندگو اعلام می‌کند پرواز مشهد با تأخیر انجام خواهد شد! تأخیر پرواز البته خبر خوشایندی نیست اما کسی نمی‌دانست همین تأخیر ناراحت‌کننده قرار است اتفاق شیرینی را رقم بزند.

■ کاپیتان از دلیل تأخیر گفت

هواپیما بالاخره پس از تأخیر یک ساعته، پرید. مسافران تازه روی صندلی‌ها آرام گرفته بودند که کادر پرواز از تولیت آستان قدس رضوی درخواست کردند به‌دعوت کاپیتان لحظاتی در کابین خلبان حضور یابد. خلبان پس از خوشامدگویی، حرف را به مقوله زیارت و خدمت می‌کشاند، از خودش می‌گوید که خادمیار رضوی است و بعد هم از دلیل اصلی تأخیر می‌گوید. او توضیح می‌دهد: در بین مسافران یک خانواده کم‌بضاعت اهل حاشیه شهر زاهدان حضور دارند که دانیال، نوجوان ۱۲ ساله‌شان، به‌دلیل بروز یک حادثه، دچار سوختگی شدید شده و والدینش می‌خواهند برای درمان، او را به مشهد ببرند. اما به‌دلیل محدودیت‌های قانونی درباره پرواز بیماران دارای وضعیت خاص مانند دانیال، جلو سوار شدنشان را می‌گیرند و همین موضوع موجب تأخیر یک‌ساعته پرواز می‌شود.

اما خلبان پادرمیانی می‌کند و برای کمک به خانواده این نوجوان بیمار، مسئولیت سوار کردن او را برعهده می‌گیرد؛ به این ترتیب، پسرک حادثه‌دیده و پدر و مادرش سوار هواپیما می‌شوند تا پیش از آنکه صدمات ناشی از سوختگی عوارض بیشتری ایجاد کند به مراکز درمانی تخصصی مشهد برسند. خلبان که متوجه حضور تولیت آستان قدس رضوی در این پرواز می‌شود، این فرصت را مغتنم می‌شمرد تا به‌واسطه ایشان برای کمک به این خانواده از حضرت رضا(ع) مدد بگیرد. او ماجرا را برای حجت‌الاسلام والمسلمین مروی تعریف و از تولیت آستان قدس رضوی درخواست کمک می‌کند؛ این گونه است که با دستور حجت‌الاسلام‌والمسلمین مروی خادمان حضرت رضا(ع) برای حمایت از این خانواده پای کار می‌آیند.

■ آمبولانس روی باند می‌آید

ساعت ۱۱ شب، هواپیما روی باند فرودگاه شهید هاشمی‌نژاد مشهد می‌نشیند و با هماهنگی‌های صورت‌گرفته توسط مدیریت امور مجاورین معاونت خدمات اجتماعی بنیاد کرامت رضوی، فوراً آمبولانس روی باند پرواز می‌آید و دانیال را به بیمارستان امام رضا(ع) منتقل می‌کند. مدیر امور مجاورین بنیاد کرامت رضوی هم از همان لحظه مسئول پیگیری مستقیم درمان دانیال و پذیرایی از خانواده او می‌شود. چند روز پس از این ماجرا، با هادی غلامی، مدیر امور مجاورین بنیاد کرامت رضوی در این باره گفت‌وگو می‌کنم تا برایمان از آخرین وضعیت سلامتی دانیال و میزبانی از خانواده او بگوید.

او در این باره می‌گوید: «به‌سرعت هماهنگی لازم با بیمارستان امام رضا(ع) انجام شد و با نشستن هواپیما، بلافاصله ما دانیال را از خانواده‌اش تحویل گرفتیم و شبانه به بخش سوانح و سوختگی این بیمارستان منتقل کردیم. عمده سوختگی، مربوط به صورت و بازو و قفسه سینه دانیال بود که طبق نظر پزشک متخصص بخش، روز اول تحت درمان‌های اولیه ازجمله شست‌وشو و مداوا و تعویض پانسمان قرار گرفت تا برای عمل آمادگی پیدا کند. درنهایت، پیوند پوست اعضای بیشتر آسیب‌دیده با موفقیت انجام شد و همه ما از بهبودی حال دانیال خوشحال شدیم».

■ پیگیری روند درمان

او ادامه می‌دهد: «در مدت بستری و درمان دانیال، هر روز خدمه مدیریت امور مجاورین بنیاد کرامت رضوی به صورت تلفنی با والدین او در ارتباط بودند. حتی یک دستگاه تلفن‌همراه در اختیار پدر دانیال قرار گرفت تا خانواده در اسرع وقت از احوال بیمار مطلع شوند. چندین نوبت هم با حضور در بیمارستان از نزدیک فرایند درمان دانیال پیگیری شد تا اینکه پس از ۲۰ روز و طی شدن مراحل مختلف درمانی، پزشک معالج مجوز مرخصی داده».

همچنین خانواده دانیال در مدت ۲۰ روز طول درمان پسرشان، به‌طور کامل تحت حمایت قرار می‌گیرند. علاوه‌بر اسکان و پذیرایی در زائرسرای رضوی، هزینه‌های درمان و عمل جراحی دانیال نیز توسط بنیاد کرامت رضوی تأمین می‌شود و خادمان حضرت رضا(ع)، علاوه‌بر اهدای هدایایی، هزینه بلیت پرواز بازگشت این خانواده را هم پرداخت می‌کنند.

■ اولین زیارت دانیال

اما یکی دیگر از بخش‌های شیرین این ماجرا اولین تشرف دانیال به حرم حضرت رضا(ع) است که پس از عمل جراحی و پیش از بازگشت به سیستان‌وبلوچستان صورت می‌گیرد. غلامی ماجرای اولین تشرف دانیال را این‌طور تعریف می‌کند: «پس از طی‌شدن چند روز دوره درمان و بهبود نسبی دانیال، بنابه درخواست خود او و خانواده‌اش، هماهنگی لازم با حرم مطهر رضوی صورت گرفت تا دانیال پس از ترخیص بتواند اولین بار به حرم و زیارت حضرت رضا(ع) مشرف شود. خادمان از جلو زائرسرا دانیال و خانواده‌اش را سوار کردند. در مسیر هم برای این پسرمان کفش و لباس نو خریداری شد. دانیال امکان تحرک زیاد و پیاده‌روی طولانی را نداشت؛ به همین دلیل، وقتی به حرم رسیدند یکی از خادمان که با پنجره‌فولاد همراهی کرد. این‌طور بود که دانیال و خانواده‌اش یک زیارت اختصاصی انجام دادند و برای ناهار هم میهمان سرای حضرت شدند».

■ تا چه دل گفتم: یا امام رضا(ع)!

شنیدن شرح حالش این پرسرگذشت را از زبان پدر دانیال هم جالب است: «دانیال بر اثر یک حادثه دچار سوختگی شدید شد و ما فوراً او را به بیمارستان زاهدان بردیم، اما متأسفانه به‌دلیل کمبود امکانات نتوانستند کار چندانی برای او انجام دهند. پسرم با بدن سوخته مقابل چشمانمان بود و مثل شمع آب می‌شد. مادرش از غصه یکسره گریه می‌کرد. همان‌جا بود که من دست به‌سوی آسمان بلند کردم و از ته دل گفتم: یا امام رضا(ع) به پسرم کمک کن!»

او ادامه می‌دهد: «پزشک بیمارستان گفت خیلی سریع باید دانیال را به مشهد ببریم. ما هم بدون معطلی راهی فرودگاه شدیم. اما به‌خاطر نوع سوختگی دانیال به‌ما اجازه سوار شدن نمی‌دادند. ناامید نشدیم و منتظر ماندیم شاید فرجی شود. اگرچه در مشهد هیچ فامیل و آشنایی نداشتیم، در دلم می‌گفتم من دارم پسرم را به شهر امام رضا(ع) می‌برم؛ حتماً خودش هوای ما را دارد. یک‌دفعه یک آقایی با لباس سفید آمد و گفت: بیایید سوار هواپیما شوید. از آن لحظه به‌بعد، دیگر نفهمیدم چه اتفاقی افتاد. همه کارها درست شد». پدر دانیال همچنین می‌گوید: «در پرواز با حاج آقای مروی آشنا شدیم و ایشان خیلی کمک کردند که ما بتوانیم دانیال را در مشهد پیگیری کنیم. در مسیر پرواز خیلی با ما حرف زدند و همدلی کردند. خوب یادم هست به ما دلداری دادند و گفتند: اصلاً ناراحت نباشید! امام رضا(ع) شما را طلبیده و خود ایشان هم کمکتان می‌کنند».

■ باورکردنی نبود

از او درباره خدمت خادمان حضرت هم می‌پرسم و او می‌گوید: «به‌محض رسیدن به مشهد، خادمان آستان قدس رضوی همه کارهای درمان پسرم را انجام دادند. باورم نمی‌شود پسرم این‌طور از زاهدان به مشهد رسید، دوا و درمان شد، زیارت کردیم و به‌سلامتی برگشتیم. خدا به همه آن‌هایی که به ما کمک کردند اجر بدهد! خیلی خوب از ما پذیرایی کردند». او درباره علاقه دانیال به امام رضا(ع) هم می‌گوید: «دانیال، از همان روزهای اول، با اینکه حالش اصلاً خوب نبود و مدام گریه می‌کرد، با همان حالش می‌خواست به حرم برود. اما واقعاً امکانش نبود و پدر در بیمارستان تحت‌نظر پزشک می‌ماند. یادم هست همان‌موقع از من خواست از حرم برایش آب بیاورم. قربان امام رضا(ع) بروم! وقتی یک بطری آب از حرم برای پسرم بردم و او خورد، دردش آرام شد و خوابید... از وقتی هم برگشته‌ایم زاهدان، هر کس برای عیادت پسرمان می‌آید می‌گویم: پسرم را خود آقا طلبیدند و شفا دادند».

رفت. ۱۰ دقیقه‌ای می‌توانست نماز و دعایی بخواند و زود سرکراش برگردد. هنوز هم نمی‌دانست چطور شد آن لحظه خادم درآن صبح چهارشنبه بعد نماز سمت مشهد چرخید و همان‌جا از حضرت احمدبن موسی و خود امام رضا(ع)، زیارت مشهد را طلب کرد. نه فقط برای خودش، برای مادر پیرش که هنوز نتوانسته بود او را به زیارت امام رضا(ع) ببرد و همیشه بابت این شرمنده‌اش می‌کشید و دلش به این خوش بود امشب هم زیارت و هم خدمتی به زائران امامزاده کرده است. اذان را که دادند اورکت و دستکش‌هایش را درآورد و روی موتورش گذاشت. هیچ وقت از نارنجی بودن لباس کارش خجالت نکشید، هرچند شده بود به‌خاطر بچه‌ها نخواهد با آن لباس در هر جایی ظاهر شود. سلام داد و وارد شد. همان‌جا در وضوخانه حرم وضو گرفت و برای نماز به داخل حرم می‌گشید و دلش به این خوش بود امشب هم زیارت و هم خدمتی به زائران امامزاده کرده است. اذان را که دادند اورکت و دستکش‌هایش را درآورد و روی موتورش گذاشت. هیچ وقت از نارنجی بودن لباس کارش خجالت نکشید، هرچند شده بود به‌خاطر بچه‌ها نخواهد با آن لباس در هر جایی ظاهر شود. سلام داد و وارد شد. همان‌جا در وضوخانه حرم وضو گرفت و برای نماز به داخل حرم

باز خدا را شکر می‌کرد که شغلی داشت و هرچند رسمی نبود اما دفترچه بیمه‌ای بود و سابقه کاری هم برایش حساب می‌شد.

لیلا سال‌ها بود خیاطی می‌کرد، رویه لحاف آماده و روبالشی‌های امروزی و قشنگی می‌دوخت. سلیقه و ظرافت کارش را مغازه‌های فروش سرویس خواب می‌پسندیدند و سفارش کار می‌دادند اما میگرن نمی‌گذاشت کار بیشتری قبول کند و طولانی پشت چرخ بنشیند. ولی باز او هم خدا را شکر می‌کرد که کمک خرج شوهرش شده و کمی از بار زندگی را به دوش می‌کشد. مرد ساعتش را نگاه کرد.

ساعتی به اذان صبح مانده بود و شیفت کاری او هم رو به پایان بود. شب‌کاری‌های این خیابان را همیشه دوست داشت. جاروی بلندش را روی آسفالت و سنگفرش‌ها سالگرد شهادت ایشان، گزیده‌ای از آن را به نقل از خبرگزاری فارس بازخوانی می‌کنیم.

این شهید(شهید حججی) عصاره مسجد است. در تصویر اسارت شهید حججی نو چهره را می‌بینیم؛ هر دو ثمره مسجد هستند. خبیثی که پشت سر حججی قرار دارد نیز ثمره مسجد است، همه دعوای ما در عالم بر سر یک مسجد یعنی مسجدالاقصی و همه وحدت ما نیز بر سر یک مسجد یعنی مسجدالحرام است که می‌تواند جهان اسلام را به وحدت برساند. مسجد حیات دینی، سیاسی و اجتماعی عالم اسلام است. ما در عالم اسلامی سه نوع مسجد داریم و ثمره‌های این سه نوع مسجد را هم می‌بینیم که در کشور ما نیز هر سه نوع وجود دارد. مسجدی است که آگاه‌سازی و تربیت و در دو بعد از اسلام دفاع می‌کند؛ یکی بعد فرهنگی و دینی و ایجاد رأی در مردم برای مقابله با تهاجم فرهنگی که پیچیده‌تر از دیروز و وسیع‌تر و ناپیداتر شده است. این مسجد همزمان با مقابله، مدافع فرهنگی و ایثارگر و فداکار نیز تربیت می‌کند.

تربیت مدافع فرهنگی، ایثارگر و فداکار در دولت‌ها و ساختارهای دولتی محقق نمی‌شود بلکه در مسجد محقق می‌شود. ما پیروزیمان در جنگ هشت ساله را مدیون مسجد هستیم، البته منظور پیکره مسجد نیست، بلکه منظور امام جماعت است که امروز در شرایط معظم انقلاب در رأس امامان جماعت مساجد حضور دارند.

کارگر یک مسجد دیگر ایجاد روح بی‌توجهی و بی‌انگیزگی در جامعه است. امام جماعت این مسجد به ما مومنین نگاه می‌کند که ببینند از چه چیزی خوشنودمی‌آید آن وقت همان مطلب را می‌گوید. سومین نوع مسجد، مسجدی است که همچون ماشین است و ائمه تکفیری بر آن سوارند و نتیجه‌اش تولد داعش و جبهه النصره است. اگر نگاه ما به مسجد به عنوان امام جماعت صرفاً نگاه به محیط داخل مسجد باشد و بخواهیم فقط تعداد افرادی را که داخل مسجد هستند، حفظ کنیم اشتباه کرده‌ایم و باخته‌ایم. مسجد مثل یک قرارگاه است و باید تمام اطراف مسجد را مدنظر قرار داد. بی‌حجاب، با حجاب، اصلح‌گرا، اصلاح‌طلب، زن، مرد، کودک و...

> تربیت مدافع فرهنگی، ایثارگر و فداکار در مسجد محقق می‌شود

نکته‌های ناب

۳ نوع مسجد از نگاه حاج قاسم

دیدگاه

از ایمان به انجیل تا اعتقاد به منجی

نگاهی کوتاه به باورداشت‌های مسیحیت

مسیحیت از بزرگ‌ترین ادیان دنیاست و همچون اسلام و یهودیت، از ادیان ابراهیمی به شمار می‌رود. مسیحیت با ظهور حضرت عیسی(ع) آغاز شد، این نبی الهی(ع) در میان بنی‌اسرائیل، به عنوان منجی موعود آن‌ها ظهور کرد اما در نهایت همان یهودیانی که سال‌ها چشم انتظار این منجی بودند، او را محکوم به اعدام و مرگ کردند!

براساس آنچه در انجیل آمده حضرت عیسی(ع) به صلیب کشیده شد و سپس او را دفن کردند اما پس از سه روز از خاک بیرون آمد و ۴۰ روز میان شاگردان بود و بعد به آسمان‌ها رفت تا زمانی که به عنوان پادشاه به زمین بازگردد.

البته خدای متعال در آیه ۱۵۷ سوره مبارکه نساء این عقیده را به صراحت رد کرده و می‌فرماید: «... وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ؛... او را نه کشتند و نه به دار کشیدند بلکه امر بر آن‌ها مشتبه شد...».

براساس اعتقاد مسلمانان، حضرت عیسی(ع) با ظهور امام زمان(عج) به زمین بازمی‌گردد و حضرت حجت(عج) را در اهداف جهانیشان یاری می‌کند.

حضرت عیسی(ع) در آغاز دعوت خود، یارانی را برگزیدند که پیام ایشان را به همه دنیا برسانند. معمولاً به این‌ها شاگردان حضرت عیسی(ع) می‌گویند، البته از میان شاگردان ۱۲ نفر را انتخاب کرده بود که مسیحیان در انجیل لوقا به آن‌ها رسولان می‌گویند و قرآن آن‌ها را حواریون می‌خواند؛ البته در اناجیل چهارگانه (لوقا، یوحنّا، متّی، مَرقُس) اسم‌های مختلفی برای این رسولان یا حواریون به کار برده شده است.

مسیحیان انجیل را کتاب مقدس خود می‌دانند. البته کتاب مقدس دو بخش دارد: عهد قدیم و عهد جدید؛ عهد قدیم، تورات و ملحقات تورات است و عهد جدید همان انجیل شامل ۲۷ کتاب و رساله است. انجیل کلام الله نیست و مسیحیان نیز خود چنین ادعایی ندارند. بخشی از آن‌ها مربوط به حواریون و فعالیت‌های آن‌هاست و بخشی هم مربوط به سخنان حضرت عیسی(ع) می‌شود. مسیحیان کتب عهد جدید را متعلق به حضرت عیسی(ع) نمی‌دانند بلکه معتقدند پس از به صلیب کشیده و کشته شدن ایشان، حواریون (۱۲ نفر) مطالبی را نوشتند که انجیل همان است.

باید توجه داشت اعتقاد یهودیان به تورات و اعتقاد مسیحیان به انجیل مثل اعتقاد ما به قرآن است، یعنی کتاب خدا، کتاب مقدس، وحی. چون مسیحیان بر این اعتقاد هستند که کتاب مقدس بر اساس الهامات روح‌القدس نازل شده است. اما قرآن به طور واضح نزول انجیل بر حضرت عیسی(ع) را تصریح کرده یعنی بر ایشان وحی می‌شده و این اناجیل کنونی شباهتی به انجیل الهی ندارد بلکه زندگی‌نامه حضرت عیسی(ع) و حواریون و نامه‌های آن‌ها و امثال آن است.

آن‌ها سه رکن اعتقادی دارند؛ نخست آنکه بیشتر مسیحیت در خداپرستی به مفهوم تثلیث یعنی سه‌خدایی اعتقاد دارند، هرچند معترف به توحید هم هستند و می‌گویند سه حقیقت پدر، پسر و روح‌القدس، یک حقیقت هستند!

اما قرآن کریم مسیحیان را به دلیل اعتقاد به تثلیث در سوره مبارکه مائده، آیه ۷۳، کافر دانسته است و آن‌ها را از این اعتقاد در سوره مبارکه نساء نهی می‌کند. اما آن‌ها خود را با این اعتقاد مشرک نمی‌دانند!

دومین محور و رکن اعتقادی مسیحیت آن است که می‌گویند حضرت عیسی(ع) کشته شده و خداوند از روی رحمت و مهربانی بر بندگان، فرزندش عیسی(ع) را به کفاره بندگان قربانی کرده است.

سومین رکن اعتقادی آن‌ها این است که مسیح(ع) پس از به صلیب کشیده شدن به آسمان‌ها رفته و در آخرالزمان به زمین بازمی‌گردد و بین مردم داوری می‌کند.

■ چشم به راهی برای بازگشت مسیح(ع)

مسیحیان کریسمس را جشن میلاد خداوند و نجات‌بخش خود می‌دانند و سال جدید مسیحی را با انتظار و امید و دعا برای بازگشت مسیح(ع) آغاز می‌کنند. در انجیل لوقا به آن‌ها توصیه شده: کمربندهای خود را ببندید، چراغ‌های خود را افروخته دارید، مثل کسی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشد که چه وقت از عروسی بازگردد و هر گاه بیاید و در بکوبد، در را برای او باز کند... مسیحیان چشم انتظار رجعت حضرت عیسی(ع) هستند.

■ معنای منجی در مسیحیت

مفهوم نجات و منجی در آیین مسیحیت جای بحث دارد. اندیشه منجی موعود در مسیحیت دو مفهوم دارد، نخست موعودی از بنی‌اسرائیل که ظهور کرد و رفت و دوم موعود مسیح(ع) که خواهد آمد تا ملکوت خدا را برپا دارد. در مفهوم نخست، موعود مسیحیان مصداق مشیح قوم یهود است که به جای بازگرداندن سروری قوم یهود با مرگ خود بار گناه نخستین را از پیروان خود برداشت!

در حالی

انی لا اخاف علی امتی الفقر و لکن اخاف علیهم سوء التدبیر

من از فقر اقتصادی بر امتم نمی ترسم بلکه از سوء تدبیر می‌ترسم.

خبر امروز

تورهای تخصصی موزه ملک

مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک، فراخوان برگزاری تورهای تخصصی و کارگاه‌های آموزشی خود را برای مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه اعلام کرد.
مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک علاوه بر ارائه خدمات به پژوهشگران و گردشگران، شرایطی برای ارائه آموزه‌های تخصصی در زمینه‌های مرتبط با ظرفیت‌های گنجینه خود به‌ویژه در حوزه آموزش‌های غیررسمی به گروه‌های مختلف کشور فراهم کرده که می‌تواند کارکردهای ارزشمندی نیز در زمینه تولید علم و دانش‌افزایی داشته باشد.
این موقوفه در کنار ارائه این خدمات کتابخانه‌ای و موزه‌ای آماده اجرای برنامه‌های تخصصی برای مخاطبان ویژه خود از مراکز آموزشی در چارچوب تورهای تخصصی و کارگاه‌های آموزشی در گستره فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی است.
متولیان و مسئولان مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه در تهران و شهرهای دیگر برای هماهنگی و کسب اطلاعات بیشتر درباره چگونگی برخورداری از این خدمات ویژه مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک می‌توانند با شماره تلفن ۶۶۷۵۱۲۹۱-۰۲۱ (روابط عمومی این مؤسسه) تماس بگیرند.

پژوهش

راهی نو برای پژوهشگران

مرکز اسناد آستان قدس رضوی و آستان مقدس حضرت عباس(ع) در وبیناری مشترک ضمن معرفی عملکرد خود، راه‌های همکاری مشترک برای تسهیل امر پژوهش را مورد بررسی قرار دادند.
محمدهادی زاهدی؛ مدیر مرکز اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی در این برنامه با اشاره به میراث ارزشمند اسلامی موجود در مراکز مخطوطات کشورهای اسلامی، بر تعامل میان این مراکز تأکید کرد و گفت: تعامل و ارتباط می‌تواند تصویری زیبا از میراث گرانبهای تمدن اسلامی را در معرض دید جهانیان قرار دهد. صلاح السراج از مدیران آستان حضرت عباس(ع) نیز ضمن قدردانی از اقدام‌های صورت گرفته در مرکز اسناد آستان قدس رضوی برای حفظ میراث گذشتگان، حفاظت از این میراث را نیازمند عزم ملی عنوان کرد.

آشنایی با خانواده‌ای که پشت در پشت برای آستان قدس رضوی کاشی می‌سازند

خاندان کاشی کار

پس از ظهور اسلام، هنر کاشی‌کاری در خدمت زیبایی بناها قرار گرفت. استفاده از کاشی برای تزئین و همچنین استحکام بخشیدن به بناها در ایران از دوره سلجوقی آغاز شد و طی قرون متمادی به ویژه در عهد تیموری و صفوی به اوج خود رسید. اما اتفاق مهم دیگری که در این دوران رخ داد، ساخت کاشی معرق بود. بهترین نمونه‌های کاشی معرق را هم اکنون می‌توان در ایوان مقصوره مسجد جامع گوهرشاد و صحن انقلاب دید.
مجموعه کاشی سنتی قدس در سال ۱۲۸۱ هجری شمسی توسط مرحوم حاج‌یوسف کاشی‌پز قدس فعالیت خود را آغاز کرد. نماهای بسیاری از بناهای تاریخی و مذهبی توسط او کاشی‌کاری و بازسازی شد که از جمله این بناها در شهر مقدس مشهد می‌توان به حرم مطهر امام رضا(ع) و آرامگاه خواجه‌ربیع اشاره کرد. «محمد کاشی‌پز قدس» نسل سوم این خاندان است که این روزها در حوالی ۶۰ سالگی زندگی می‌کند. او اگرچه ۴۶ سال از عمرش را در کار و هنر کاشی‌کاری و اجرای آن در حرم رضوی گذرانده است اما هنرنمایی‌اش فقط به حرم امام رضا(ع) خلاصه نمی‌شود. در ادامه گپ و گفت این هنرمند با خبرگزاری رضوی را می‌خوانید.

گزیده: کاشی‌کاری در حرم مطهر رضوی از جمله هنرهای زیبا و چشم‌نوازی است که در یک سده اخیر توسط هنرمندان چیره‌دست از جمله خاندان «قدس» به اجرا درآمده است.

■ **آثار هنری حاج‌یوسف و محمدتقی کاشی‌پز در آستان قدس رضوی یادگار چه سال‌هایی است؟**
پدربزرگم حاج‌یوسف اواخر سده ۱۲۰۰ از یزد به مشهد مهاجرت می‌کند و اینجا کنار دست استاد زین‌العابدین شاگرد حرفه کاشی‌کاری می‌شود. حاج‌یوسف این کارها را از سال ۱۲۹۰ تا ۱۳۴۰ با وجود ناتوانی و ضعف جسمی سال‌های آخر عمرش در مدت ۵۰ سال انجام داد. او همچنین توفیق دربانی حرم در کشیک سوم را داشت و در سال ۱۳۴۴ مرحوم و در صحن انقلاب دفن شد.
پدرم «محمدتقی کاشی‌پز» هم حدود ۱۶-۱۵ سال در کنار پدربزرگم در آستان مشغول بود و پس از فوت ایشان، جانشینش در آستان قدس رضوی شد. از جمله کارهای پدرم می‌توان به بازسازی کاشی‌های داخل صحن‌های انقلاب، آزادی و بعثت، ورودی‌های مهمانسرا، روضه منوره و مسجد بالاسر حضرت اشاره کرد. پدرم نیز در سال ۱۳۷۲ مرحوم و در صحن جمهوری اسلامی به خاک سپرده شد.

■ **یعنی شروع کار شما در حرفه خاندان کاشی‌پز قدس را باید مربوط به چه سالی بدانیم؟**
البته من از کودکی همراه پدر به حرم مطهر رضوی می‌آمدم و در واقع کنار دست او کار می‌کردم، اما به عنوان یک شغل و حرفه از سال ۱۳۶۵ وارد این هنر شدم و در این ۳۵ سال برای ساخت مساجد و مجتمع‌های بین‌راهی آستان قدس رضوی با این مجموعه همکاری داشتم و همچنین در امامزاده حسین بن موسی الکاظم(ع) شهر طبس و آرامگاه شهید مدرس کاشمر هم کارهایی انجام دادم.

■ **گویا کارگاه‌های کاشی‌پزی پیش از این در داخل حرم قرار داشت؟**
بله... زمانی که کارگاه‌ها در حرم بودند بسیار جو معنوی و هنری در آن‌ها حاکم بود. پدرم و همکارانش هر روز صبح این توفیق را داشتند که کار خود را با عرض سلام و ادب به ساحت مقدس امام رضا(ع) آغاز کنند. بیشتر کارگران هنگام کار با وضو بودند. هشت کوره در حرم و در محل فعلی دانشگاه رضوی و مهمانسرا و زیر فضای نقاره‌خانه فعال بود. سال ۱۳۷۳ و پس از ماجرای انفجار تروریستی در حرم مطهر کارگاه‌های کاشی‌پزی به بیرون از حرم منتقل شد.

■ **شما به خاطر علاقه به این هنر به کاشی‌کاری مشغول شدید یا چون شغل پدری بود آن را دنبال کردید؟**
همان سال‌هایی که کارخانه جدید کاشی را راه‌اندازی کردند، من به مهندس رضا دیشیدی معرفی شدم و ایشان همان سال ۱۳۶۵ پیشنهاد داد مدیریت کارخانه کاشی آستانه را به عهده بگیرم و اسم پدربزرگم را زنده نگه دارم. توفیقی حاصل شد تا در این سال، کارگاه جدید آستان قدس را راه‌اندازی کردیم که برای صحن‌های قدس، جمهوری اسلامی و کتابخانه حرم کاشی می‌پختیم. پدرم همچنان آن سال‌هایی که من مدیر کارخانه بودم در کارگاه حرم مشغول به فعالیت بود.

■ **می‌شود گفت با پیشرفت علم و فناوری شاهد کیفیت در ساخت کاشی‌های مدرن در مقایسه با کاشی‌های سنتی هستیم؟**
البته کاشی‌های ماشینی کیفیت گذشته را ندارد. کارهای مدرن امروزی مثل کار دست بی‌نقص نیست. در گذشته همه کارها با حوصله، صبر و دقت بیشتری انجام می‌شد و چون در حرم مطهر همراه با معنویت بود، بسیار کیفیت خوبی داشت.

■ **گویا فرزندانتان هم ادامه‌دهنده راه شما و اجدادشان هستند؟**
بله. پسرانم حمیدرضا و محمدتقی با داشتن تحصیلات عالیه در کارگاه خودمان مشغول‌اند و نسل چهارم خاندان کاشی‌پز قدس به شمار می‌روند.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۲۶۰۰۹۰۰۰۸۸۵ مورخه ۱۴۰۰/۹/۲۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فامنین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مجید نقوی فرزند محمود بشماره شناسنامه ۸۲۲۰ صادره از فامنین در یک باب خانه به مساحت ۲۳۴/۷۵متر مربع قسمتی از پلاک ۱۰۴ اصلی واقع در بخش پنج همدان حوزه ثبت ملک فامنین خریداری از مالک رسمی آقای حیدر علی نقوی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.(م الف ۲۶۰) آ۱۴۰۹۴۹۰
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۰/۱۰/۷ تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۰/۱۰/۲۲
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان فامنین- رضا بیات

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۲۶۰۰۲۰۰۰۸۵۰هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کبودر آهنگ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حمیدرضا عباسی فرزند حسن بشماره شناسنامه۲۳ صادره از در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۲۹۵۶۷/۷۱متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۹ اصلی واقع در روستای کوریجان خریداری از مالک رسمی آقایان تراب ولد خانی و حمداله جمشیدی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات / سند مالکیت صادر خواهد شد.(م الف ۴۰۳) آ۱۴۰۸۵۹۸
تاریخ انتشار نوبت اول :۱۴۰۰/۱۰/۷ تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۰/۱۰/۲۲
رئیس ثبت اسناد و املاک کبودراهنگ - محمد صادق بهرامی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۸۶۰۳۰۰۹۸۹۵مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۲ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض آقای مصطفی زبده شالکوهی فرزند صادق به شماره شناسنامه ۴۵۳۳ صادره ازرشت در قریه شالکو در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احداثی به مساحت ۱۲۲,۱۳ مترمربع پلاک فرعی ۴۰۹۴۰آ اصلی ۷۷ مفروز مجزی از پلاک ۳۲۲ از اصلی ۷۷ واقع در بخش چهار رشت خریداری از مالک رسمی آقای صاق زبده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۲۷۴۵ آ۱۴۰۹۵۰۳
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۰/۱۰/۰۷ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۰/۱۰/۲۲
سعید بدوی-رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو رشت

آگهی فقدان سند مالکیت
آقای غلامرضا برخوردار باستناد دو برگ استشهاد محلی که به امضا شهود و به گواهی دفتر اسناد رسمی شماره ۳۳ زاهدان رسیده است مدعی است که سند مالکیت ۹۶۸۴۲۴ ششدانگ یکباب منزل پلاک ۱۷۵۴۱ - اصلی واقع در بخش یک بلوچستان شهر زاهدان خیابان طباطبائی – طباطبائی ۱ مورد ثبت ۲۱۶۳۷ صفحه ۳۲۴ دفتر ۱۲۳ بعلت جابجایی از بین رفته درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا مراتب باستناد تبصره یک ماده ۱۲۰ آیین نامه ثبت در یکنوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود یا انجام معامله نسبت به ملک مرقوم می باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف ۱۰ روز اعتراض خود را به ضمیمه اصل سند مالکیت یا سند معامله باین اداره اعلام و رسید دریافت نمایند تا مورد رسیدگی قرار گیرد والا پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد. م الف: ۸۵۵ آ۱۴۰۹۴۹۲
حسینعلی ملایی- رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان زاهدان

آگهی فقدان سند مالکیت
آقای جعفر دایمان باستناد دو برگ استشهاد محلی که به امضا شهود و به گواهی دفتر اسناد رسمی شماره ۱۴ زاهدان رسیده است مدعی است که سند مالکیت ۲۴۳۸۱۸ ج ۹۱ ششدانگ منزل پلاک ۲۳۰۹۴ - اصلی واقع در بخش یک بلوچستان شهر زاهدان کوچه شه بخش منشعبه از خیابان مدرس مورد ثبت ۲۹۷۹۹ صفحه ۳۱۲ دفتر ۸۸ بعلت اسبابکشی از بین رفته درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا مراتب باستناد تبصره یک ماده ۱۲۰ آیین نامه ثبت در یکنوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود یا انجام معامله نسبت به ملک مرقوم می باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف ۱۰ روز اعتراض خود را به ضمیمه اصل سند مالکیت یا سند معامله باین اداره اعلام و رسید دریافت نمایند تا مورد رسیدگی قرار گیرد والا پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد. م الف: ۸۵۷ آ۱۴۰۹۴۹۳
حسینعلی ملایی- رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان زاهدان

آگهی فقدان سند مالکیت
خانم صدیقه جعفری زاده باستناد دو برگ استشهاد محلی که به امضا شهود و به گواهی دفتر اسناد رسمی شماره ۶۶ زاهدان رسیده است مدعی است که سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین نیمه تمام پلاک ۱۲۳۹۱/۵۸۸ - اصلی واقع در بخش یک بلوچستان شهر زاهدان خیابان دانشگاه – دانشگاه ۵ مورد ثبت ۹۸۹۸۱ صفحه ۲۱۱ دفتر ۵۹۶ و شماره چاپی ۵۴۴۴ الف ۸۵ بعلت اسبابکشی مفقود گردیده درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا مراتب باستناد تبصره یک ماده ۱۲۰ آیین نامه ثبت در یکنوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود یا انجام معامله نسبت به ملک مرقوم می باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف ۱۰ روز اعتراض خود را به ضمیمه اصل سند مالکیت یا سند معامله باین اداره اعلام و رسید دریافت نمایند تا مورد رسیدگی قرار گیرد والا پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد. م الف: ۸۵۴ آ۱۴۰۹۴۹۴
حسینعلی ملایی- رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان زاهدان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
پیرو آگهی آراء شماره های ۱۴۰۰۶۰۳۲۷۰۰۱۰۰۰۰۷۶و۱۴۰۰۶۰۳۲۷۰۰۱۰۰۰۰۷۷ مورد تقاضای آقایان حسین صفری فرزند اصحابعلی و حسین صفری فرزند رضا باستحضار عموم می رساند مالکیت نامبردگان از پلاک ۴۱ اصلی بخش ۷ زنجان محدوده روستای دو اسب می باشد لذا مراتب در یک نوبت به مدت ۳۰ روز آگهی می گردد.
محمدرضا حسنی – رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی فقدان سند مالکیت
خانم عهدیه اسدی با ارائه دو برگ استشهاد شهود مصدق اعلام داشته که سند مالکیت ششدانگ پلاک ۲۵۰فرعی از۱۰۲۴۶اصلی واقع در بخش یک قم به نام خانم عهدیه اسدی در ذیل دفتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۳۰۰۰۱۰۳۲۱۹۰ ثبت و سند مالکیت تک برگی۱۱۹۹۲۵ب۹۷صادر شده است که سند مالکیت اولیه به علت سهل انگاری مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را نموده اند. لذا به استناد تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت به تاریخ ذیل آگهی می گردد تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود ویا انجام معامله باشند مراتب را همراه بامدارک خود پس از انتشار آگهی ظرف مدت ۱۰روزکتباً به این اداره اعلام و ارسال و رسید اخذ نمایند تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است پس از انقضای مهلت مقرر نسبت به صدور سند مالکیت المثنی برابر مقررات اقدام خواهد شد./ م الف:۱۴۷۸۸ آ۱۴۰۹۴۸۶
رضا حسینخانی-رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک قم

آگهی فقدان سندمالکیت
آقای ترابعلی سخندان بارائه دو برگ استشهاد شهود مصدق اعلام داشته سند مالکیت دفترچه ای ۹۰/۹۰سهم مشاع از۲۸۱۵سهم ششدانگ پلاک۲۳۹۳/۳۰۲ اصلی واقع در بخش ۲ ثبت قم در صفحه۵۹۵ دفتر۲۴۹ذیل ثبت۴۳۰۲۷بشماره سریال۳/۴۰۲۶۴۱بنام ترابعلی سخندان صادره و تسلیم شده که نام برده اعلام داشته سند مالکیت در اثرسهل انگاری مفقود گردیده‌لذا به استناد تبصره یک اصلاحی ماده۱۲۰آئین نامه قانون ثبت دریک نوبت به تاریخ ذیل آگهی تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله باشند مراتب را همراه با مدارک خود پس از انتشار آگهی ظرف۱۰روز کتبا" به این اداره اعلام و ارسال و رسید اخذ نمایند تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است پس از انقضای مهلت مقرر نسبت به صدور سند مالکیت المثنی برابر مقررات اقدام خواهد شد./ م الف:۱۴۷۸۹ آ۱۴۰۹۴۸۷
عباس پور حسنی حجت آبادی-رئیس ثبت اسناد منطقه دو قم

آگهی فقدان سند مالکیت
نظر به اینکه مهدی مطیع دارنده کدملی۰۳۸۶۶۹۰۰۱۴ با ارائه دو برگ استشهاد شهود مصدق اعلام داشته اند که سند مالکیت تمامی ششدانگ پلاک۱۰۹۸۱/۱۴۰اصلی واقع در بخش ثبت یک قم که در دفتر الکترونیکی بشماره ۱۳۹۶۲۰۳۳۰۰۰۱۰۲۲۲۶۷بنام مهدی مطیع دارنده کد ملی۰۳۸۶۶۹۰۰۱۴ ثبت و سندمالکیت به شماره۹۸۵۹۹۴ب۹۵صادر و تسلیم شده سپس از طرف ایشان اعلام گردیده سند مالکیت مزبور به علت سهل انگاری مفقود گردیده لذا به استناد تبصره۱اصلاحی ماده۱۲۰آئین نامه قانون ثبت در ۱ نوبت به تاریخ ذیل آگهی تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله باشند مراتب را همراه با مدارک خود پس از انتشار آگهی ظرف۱۰روز کتبا به این اداره اعلام و ارسال و رسید اخذ نمایند تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است پس از انقضای مهلت مقرر نسبت به صدور سند مالکیت المثنی برابر مقررات اقدام خواهد شد./ م الف:۱۴۷۸۵ آ۱۴۰۹۴۸۸
رضا حسینخانی-رییس ثبت یک قم

آگهی فقدان سند مالکیت
نظر به اینکه اوقاف و امورخیریه قم بموجب درخواست شماره۱۴۰۰/۷۳۱۲-۱۴۰۰/۶/۲۱با ارائه دوبرگ استشهاد شهود مصدق اعلام داشته اند که سندمالکیت ششدانگ پلاک۱۰۷۵۸/۹اصلی واقع در بخش ثبت یک قم که قم که دردفتر۳۵۰وصفحه۲۲۱ذیل ثبت۵۶۰۰۵بنام مرکز موسسه صندوق عمران موقوفات کشور ثبت و سند مالکیت به شماره۴۹۳۴۴۰صادر شده سپس از طرف ایشان اعلام گردیده سند مالکیت مزبور به علت سهل انگاری مفقود گردیده که درخواست سند المثنی دارند. لذا به استناد تبصره۱اصلاحی ماده۱۲۰آئین نامه قانون ثبت در ۱ نوبت به تاریخ ذیل آگهی تا چنانچه کسی مدعی‌وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله باشند مراتب را همراه با مدارک خود پس از انتشار آگهی ظرف۱۰روز کتبا به این اداره اعلام و ارسال و رسید اخذ نمایند تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است پس از انقضای مهلت مقرر نسبت به صدور سند مالکیت المثنی برابر مقررات اقدام خواهد شد./ م الف:۱۴۷۸۶ آ۱۴۰۹۴۸۹
رضا حسینخانی -رییس ثبت یک قم

((آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسند رسمی حوزه ثبت تایباد))
نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیان که در هیئت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ مشهد واحدثبتی شهرستان تایباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آن محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:
خانم هنور یاوری احمد آباد به شناسنامه شماره ۵۹۴۲ کدملی ۰۷۴۸۳۹۹۰۸۹ صادره تایباد فرزند غلامحیدر در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۱۸۵ مترمربع پلاک شماره ۱۳۳ مکرر فرعی از ۲۵۶ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد از محل قسمتی از مالکیت خانم فریبا یاوری احمد آباد و قسمتی از پلاک** ۶۵۵- ۹۹
لذا بموجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منتشر تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.آ۱۴۰۸۸۷۶
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۹/۲۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۰/۷
رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد
غلامرضا آقازاده

اداره کل ثبت اسناد و املاک خراسان جنوبی
اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان قاین
«آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد و سند رسمی»
برابر آراء شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۸۰۰۲۰۰۱۲۳۴ و ۱۴۰۰۶۰۳۰۸۰۰۲۰۰۱۲۳۳ - ۱۴۰۰،۰۹،۰۸ صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی قاین تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند. می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.
بخش ۱۱
قطعه مفروزه مزرعه شاهیک پلاک ۱۲۶۹- اصلی
۱- آقای محمدحسن کاوه فرزند برات بشماره شناسنامه ۱۰۹ صادره از قاین بشماره ملی ۰۸۸۸۹۸۹۳۲۶ در پنج سهم مشاع از ۲۲ سهم از ششدانگ یک قطعه باغ منزل به مساحت ۱۶۳۹،۵۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۲۶۸ فرعی از ۱۲۶۹ - اصلی بخش ۱۱ قاین مزرعه شاهیک خریداری از محل مالکیت مشاعی خودش واقع در باغستان شاهیک
۲ - خانم ناهید صالحی فرزند جهانگیر بشماره شناسنامه ۶۲۶۷ صادره از قاین بشماره ملی ۰۸۸۸۲۵۱۶۸۸ در ۱۷ سهم مشاع از ۲۲ سهم از ششدانگ یک قطعه باغ منزل به مساحت ۱۶۳۹،۵۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۲۶۸ فرعی از ۱۲۶۹- اصلی بخش ۱۱ قاین مزرعه شاهیک خریداری از محل مالکیت مشاعی خودش واقع در باغستان شاهیک
بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. آ ۱۴۰۸۸۰۸
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۰/۰۹/۲۱
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۰/۱۰/۰۷
علی صفائی فر
رئیس اداره ثبت اسناد واملاک قاینات

دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. آ۱۴۰۹۴۸۱
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۱۰/۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲
رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد
غلامرضا آقازاده

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی نظر به دستور مواد ۱ و ۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زبرخان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای حسین قدمگاهی فرزند سلیمان به شماره شناسنامه ۱۳۲۲ صادره از زبرخان در یک باب ساختمان در قسمتی از پلاک ۴۲۱ فرعی از ۱۳۵ اصلی بخش ۳ زبرخان واقع در اراضی قدمگاه از محل مالکیت سید ابراهیم قدمگاهی فرزند سیدحسن محرز گردیده است. لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی وماده۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵روزاز طریق روزنامه محلی / کثیر الانتشار در شهرها منتشر و درروستا ها رای هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ،دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند ودر این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرربه دادگاه نخواهد بود برابرماده۱۳آیین نامه مذکور پس از تنظیم اظهار نامه حاوی تحدید حدودمراتب را در اولین آگهی نوبتی وتحدید حدود به صورت همزمان با طلاع عموم می رساند ونسبت به املاک در جریان ثبت وفاقد سابقه تحدید حدود واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را بصورت اختصاصی منتشر می نماید .آ-۱۴۰۸۸۳۲
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۹/۲۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۰/۷
سید حسن پورموسوی -رئیس ثبت اسناد واملاک شهرستان

((آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسند رسمی حوزه ثبت تایباد))
نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیان که در هیئت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ مشهد واحدثبتی شهرستان تایباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آن محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی میگردد:
خانم الهام سلیمان‌پور به شناسنامه شماره ۰۷۴۰۲۷۳۸۵۱ کدملی ۰۷۴۰۲۷۳۸۵۱ صادره تایباد فرزند گل احمد ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۱۲۱ مترمربع پلاک شماره ۱۹۹ فرعی از ۲۵۱ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد از محل قسمتی از مالکیت رسمی و مشاعی آقای کریم کریمدادی و قسمتی از پلاک** ۶۸۰- ۹۹
لذا بموجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منتشر تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف مدت